

باور غلط صفر و یک

متاسفانه یک باور غلط و به شدت اشتباه در جامعه ما رواج پیدا کرده که موجب ناکامی و سرخوردگی مردم مخصوصاً قشر جوان گردیده است و آن باور صفر و یکی داشتن به هر موضوعیست.

باور صفر و یک یعنی اینکه شخص بر این اعتقاد است یا باید در صدر جدول یک زمینه ای قرار بگیرم و یا هیچ.

شاید این باور از رشته های ورزشی به مردم ما القا شده باشد که اگر تیمی یا فردی در یک رشته ورزشی در مقام اول یا همان مدال طلا و جایگاه قهرمانی قرار گرفت هیرو یا اصطلاحاً قهرمان ملی و مردمی می شود و اگر دوم شد هیچ اعتبار و ارزشی برایش قائل نیستند.

یعنی این تیم یا این فرد تمام مسابقات را برده و فقط در فینال باخت اما انگار با آن تیمی که در جایگاه آخر است یکسان است هر چند می گوئیم این باخت چیزی از ارزش هایش کم نکرد.

به زبان می‌گوییم این باخت چیزی از ارزش هایش کم نکرد اما در واقعیت هیچ ارزشی برایش باقی نگذاشت یعنی دقیقاً صد در صد برعکس گفته‌هایمان عمل می‌کنیم.

بسیاری از مردم، قهرمانان جام‌های جهانی فوتبال را می‌شناسند اما شما از آنان بپرس در همان سالی که فلان کشور اول شد چه کشوری دوم شد می‌بینی نمی‌دانند و اگر تعداد معدودی از آنها دوم را بشناسند سوم را که اصلاً نمی‌شناسند و اگر سوم هم شناخته شود چهارم که دیگر اصلاً هیچ ارزشی ندارد.

یعنی ما فقط طلا را قبول داریم.

نقره کم ارزش است.

برنز کم ارزش است.

بعد از برنز اگر این فرد چهارم شود که دیگر هیچ ارزشی ندارد.

در زمینه آموزش هم همین‌گونه ایم اگر فرزندان در المپیاد

علمی اول شود و طلا بگیرد او را بر روی دست بلند می‌کنیم اما

اگر دوم شود انگار هیچ تلاشی نکرده و اگر سوم یا چهارم شود

طوری با او برخورد می شود که انسان گمان می کند خیانتی کرده یا مرتکب گناه کبیره ای شده است.

همین رفتارها موجب می شود روحیه سرخوردگی در تلاش برای رسیدن به پیشرفت شکل گیرد.

بزرگواری که متنم را می خوانی خلاصه فقط یک نفر به جایگاه اول می رسد و زمانی که شما باور صفر و یک دارید همواره شکست خورده اید مگر در موارد نادری.

وقتی من نوعی به این موضوع نگاه می کنم که فقط زمانی که اول شوم دارای اعتبارم و اگر دوم و سوم و چهارم و ... شوم هیچ اعتبار خاصی ندارم کافیست کسی را در جایگاه اول ببینم که متوجه شوم هیچ جوره نمی توانم از پس او بر بیایم.

پس با خودم می گویم من که اول نمی شوم بیخیال شوم.

تلاش کردن را به طور کامل کنار می گذارم چون امکان اول شدن را نمی بینم و دوم و سوم هم از نظر ذهنی برایم کم ارزش و چه بسا بی ارزش است و اینگونه امید در جامعه می میرد.

باور صفر و یک در تجارت

بسیار این جمله تکراری را از تاجران تازه وارد در کامنت هایشان می خوانم که من یا در تجارت فلان محصول بهترین خواهم شد یا کلا تجارت را کنار می گذارم.

خب عزیز دلم این چه منطق غلطیست که در ذهنت داری و با همین منطق ها خودت را از منافع بی شمار تجارت محدود کرده و به راه های کم در آمد گذشته می کشانی.

خداوندی که جهان را آفریده آن را صفر و یک خلق نکرده است. هر یک از ما کافیست به اسلام نگاه کنیم.

شما در اسلام نفر اول را می بینی که جان عالم همه به قربان اوست و کسی در فضیلت و مراتب به گرد پای رسول خدا محمد امین که برند امین را از تجارت به دست آورد و قبل از پیامبری به ایشان اطلاق گردید نمی رسد.

اما همین پیامبر می فرماید: من و علی از یک نوریم.

یعنی امیرمومنان علی علیه السلام که نفر دوم اسلام است همان جایگاه و منزلتی را دارد که رسول خدا داشت جز آنکه ایشان پیامبر نبود و جانشین پیامبر بود.

بعد می بینی فاطمه سلام الله علیها که نفر سوم اسلام است هم عزیز دل اسلام است تا جایی که خداوند به پیامبرش فرمود: اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی کردم و اگر علی نبود تو را خلق نمی کردم و اگر فاطمه نبود جفتان را نمی آفریدم.

یعنی وجود نفر سوم را دلیل خلقت نفر اول و دوم و وجود نفر دوم را دلیل خلقت نفر اول بر شمرده است.

بعد می بینی امامین حسن و حسین علیهما السلام و نه فرزند از فرزندان حسین همگی بر تارک اسلام می درخشند.

و بارها در احادیث از معصومین علیهم السلام خواندیم که ما اهل بیت همه نور واحدیم و هیچ فرقی بینمان نیست.

از امامان که عبور کنیم می بینی وجود مطهر ابوالفضل العباس، زینب کبری، علی اکبر، علی اصغر، قاسم، عبدالله، جناب

ابوطالب و بسیاری از صحابه و یاران پیامبران و امامان هم در جایگاه خودشان عزیز و محترمند و روایات فراوانی در شأن آنها وجود دارد تا جایی که امیرمومنان علی علیه السلام می فرمایند: بوی بهشت را حس نمی کند کسی که سلمان، ابوذر و مقداد را دوست نداشته باشد.

و این سخن خداست درباره ۱۲۴ هزار پیامبرش که فرمود:

وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ

هیچ فرقی بین یکی از پیامبران خدا نیست. سوره بقره آیه ۱۳۶

پس خداوند نیامده یکی را چنان پررنگ کند که سایرین را کم ارزش یا بی ارزش نشان دهد بلکه هر کسی در اسلام تلاش کرده به اندازه تلاشش محترم شمرده شده است. یعنی خداوند صفر و یکی نگاه نمی کند.

خدایی که می فرماید اگر مثقال ذره ای خوبی کنی می بینی و اگر مثقال ذره ای بدی کنی هم می بینی یعنی اینطور نیست که من یا بگویم صفر یا بگویم یک بلکه تمام رفتارها ارزشمند است.

باور دیجیتال یا آنالوگ

به باور صفر و یکی باور دیجیتال هم گفته می شود.

در دنیای دیجیتال شما هر چیزی را تبدیل به کدهایی می کنید

به صورت ۰ و ۱.

هر حرفی و هر عددی به صورت صفر و یک در می آید.

تمام تکنولوژی عصر ما بر اساس دیجیتال است.

گوشی های هوشمند، تلویزیون های دیجیتال، ساعت های

دیجیتال، عکس های دیجیتال و غیره.

اما جهانی که خداوند آن را بر اساسش آفریده جهان آنالوگ است

یعنی جهانی که تک تک اعضایش به یکدیگر پیوسته است.

اگر دوربین های عکاسی قدیمی که آنالوگ بودند و آنها را در

اتاقک های تاریکی می بردند و عکس ها را ظاهر می کردند با

دوربین ها و عکس های دیجیتال مقایسه کنید به یک تفاوت

بزرگ می رسید.

اگر عکس دیجیتال را با ذره بین بزرگ کنی و اصطلاحاً پیکسل به پیکسل آن را باز کنی به نقاط خالی می‌رسی که اصلاً چیزی در آن‌ها وجود ندارد.

اما وقتی یک عکس آنالوگ را هر چقدر هم زیر ذره بین ببری هیچ شکاف و خلل و نقطه خالی نمی‌بینی.

خداوند درباره خلقت خودش در نظام آفرینش آن را آنالوگ دانسته و درباره اش فرموده:

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا^ص
مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ^ص
فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ

همان‌طوری که آسمان‌ها را در هفت طبقه خلق کرد که هیچ تفاوتی در خلقت خدای رحمان نمی‌بینی پس چشم بگردان آیا

شکاف و نقطه خالی در آن پیدا می‌کنی؟ سوره ملک آیه ۳

سپس در آیه بعد می‌فرماید آنقدر چشم بینداز تا چشمانت خسته شود اما هیچ شکافی نمی‌بینی.

اثر مفید باور آنالوگ در تجارت

پس دیدیم وقتی باورمان صفر و یک یا همان دیجیتال است فقط زمانی خوشحال می شویم که اول باشیم و در غیر اینصورت خودمان را صفر می پنداریم و همین موضوع باعث می شود از تجارت های کوچک خوشحال نشویم و یقینا در هر تجارتی کسانی هستند که پیش از ما وارد شده اند و نمی خواهیم بگوییم هیچ وقت در تجارت اول نمی شوید اما یقینا آنها هم بیکار ننشسته اند.

شما تازه می خواهید تجارت را شروع کنید در حالیکه آراد تاجران موفق دارد که بیش از ده سال است تجارت می کنند و اگر تو امروز تلاشی می کنی یقینا آنها هم تلاشی به اندازه تو و چه بسا بیشتر انجام می دهند.

پس هیچ وقت خودت را با دیگران و جلو زدن از آنها مقایسه نکن بلکه با خودت این را محاسبه کن امروز که وارد تجارت

شده از دیروزت که وارد نشده بودی اوضاعت بهتر شده است یا خیر؟ همین.

دوباره فردایت را با امروز خودت قیاس کن آن وقت می بینی هر روزت از روز قبلی بهتری و همین یعنی پول بیشتر یعنی موفقیت یعنی عزت یعنی سربلندی یعنی شکوه یعنی همه چیز.

منابع محدود و باور آنالوگ

هر کدام از ما برای شروع تجارت و یا ادامه دادن آن منابعی محدود در اختیار داریم و تنها موجود نامحدود این نظام خلقت خداوندیست که آن را آفریده است و با همه عشق و ارادتی که به پیامبر و خاندان پاک و مطهرش دارم از خود آن پاگان یاد گرفته ام که غیر از خدا همه محدودند حتی پیامبر و امام. حال این منابع محدود ما و این هم راه پر عزت و مقدس تجارت. از این پس قرار است با باور آنالوگ به تجارت نگاه کنیم.

یک منبع اصلی برای تجارت منابع مالی است و یک منبع دیگر منبع زمان یا همان تایم و یک منبع دیگر منبع انرژی روحی.

چون تجارت کار جسمی نیست پس منبع جسمی را نیاوردم و ما در آراد تاجران موفق داریم که نابینا هستند، فلج هستند و اقسام مختلف و متنوعی از ناتوانی های جسمی دیگر که نشان می دهد ضعف جسمی دلیل بر تاجر نشدن نمی شود.

من اگر باورم دیجیتال نباشد و با منطق آنالوگ فکر کنم و حالا نگاه می کنم که منبع مالی محدودی دارم.

خب چه عیبی دارد؟

با پروموشن های پایین تر شروع می کنم.

کمی زمان بیشتری می برد اما باز هم تاجرم حالا تاجر اول نیستم تاجر دوم نیستم تاجر صدم نیستم تاجر صد و یکم که می شوم همان هم عالیست.

سودم که از تجارت ها بالاتر رفت و البته در همان ها ۱۰ درصد آراد را پرداخت کردم بخشی از ۹۰ درصد خودم را برای ارتقای

برندم در تهییج بیشتر مشتریان و تامین کنندگانم هزینه می کنم
و خودم را روز به روز تاجر بهتری می نمایم.

اگر منابع مالی محدودتری دارم با پروموشن ۱ شروع می کنم.
اصلا منابع مالی ام به پروموشن ۱ هم نمی رسد با طرح رایگان
آراد که همان پروموشن نیم نام دارد شروع می کنم و وقتی به
سود رسیدم پروموشن ۱ را می گیرم.

فقط یادم هست که پروموشن مثل وسیله نقلیه است.

پروموشن ۱۲ می شود هواپیمای اختصاصی و پروموشن ۱ یعنی
دوچرخه و شما پروموشن نیم را با پای پیاده تصور کنید.

نمی بینید در ایام اربعین کسانی که عاشق اباعبدالله الحسین
هستند و درآمدشان به گرفتن پرواز و رزرو هتل و غذای خوب
نمی رسد پای پیاده می روند و شب در موبک می خوابند و غذای
نذری می خورند اما محدود بودن منابع مالی موجب دور
شدنشان از امام نمی شود و باز هم در این مسیر می مانند.

در تجارت هم کمبود منابع مالی نباید دلیل جدایی شود.

چون این مقاله طولانی گردید در مقالات دیگر ان شاءالله درباره محدودیت منابع زمان یا همان تایم آزاد روزانه و منابع انرژی روحی صحبت خواهیم کرد و راهکارهای جالبی ارائه خواهیم داد. خلاصه مطلب اینکه هیچ مانعی برای ورود به تجارت ندارید. جاده و اسب مهیاست بیا تا برویم.

شما فکر می کنید تاجران موفق که در آراد هستند روز اول همه تاجر زاده بوده اند؟

بسیاری از آنها روز اولشان چند ده برابر از روز اول شما بدتر بوده است اما آنچه از آنان تاجرانی ثروتمند ساخت باور ذهنی ثروتمندی بود که همراه داشتند و آن هم چراغ راه شد.

چون باوری ثروتمند داشتند همان دلیلی شد تا ضعف های دیگرشان کمرنگ شود و البته روز به روز بر همان ضعف ها فائق آمدند و امروزشان را که نگاه می کنی اثری از آن ضعف ها مشاهده نمی کنی هرچند گاهی آثار یک زخم که انسان در زندگی بر می دارد سال ها بر قلب و جانش می ماند.